

کتابخانه عالی قزاقی و عثمانی بلاغ

دکتر حسین مهرپور

دو بحث کوتاه در مورد تعدد زوجات:

- ۱- استیفای عده در نکاح منقطع
- ۲- محدود کردن تعدد زوجات

مقدمه

مطابق نصّ قرآن کریم و اجماع تمام مسلمین، مرد می‌تواند چهار زن دایم در عقد نکاح خود داشته باشد و داشتن بیش از چهار زن ممنوع است. به اجماع شیعه امامیه نکاح منقطع نیز مجاز و مشروع است. در خصوص اصل تعدّد زوجات، این مسأله مخصوصاً در دوران اخیر مطرح است که آیا می‌توان محدودیتی برای آن قائل شد و خواست مرد برای اختیار همسر جدید با وجود داشتن زن را موکول به شرایطی نمود و اجازه دادگاه را شرط دانست یا خیر؟ همچنین با توجّه به مشروعیت نکاح منقطع در فقه امامیه، این سؤال مطرح است که آیا محدودیت چهار زن شامل نکاح منقطع نیز می‌شود یا مخصوص نکاح دایم است و نکاح منقطع حدّ نصابی ندارد. در بررسی کوتاهی که به مناسبت بحث حقوق خانواده داشتم به برخی نکات قابل توجّه برخورد کردم که بر آن شدم به عنوان طرح بحث و فتح باب، بحث کوتاهی در هر یک از دو زمینه مزبور داشته باشم. امید است از نظرات مستدل و مفصل اهل نظر و ارباب فضل در این زمینه مخصوصاً در مورد امکان برقرار کردن مقرّرات محدود کننده تعدّد زوجات از سوی حکومت، بهره گیریم.

۱ - حکم استیفای عده در نکاح منقطع

مشهور بین فقهای امامیه، این است که ممنوعیت جمع بیش از چهار زن مخصوص عقد نکاح دائم است و در نکاح منقطع، هیچ گونه محدودیتی نیست و مرد می تواند هر تعداد زن که بخواهد به نکاح منقطع داشته باشد، این شهرت، آن چنان قوی است که صاحب جواهر، ادعا می کند، بعید نیست بگوییم از ضروریات مذهب امامیه است^۱ و بر این معنی به تعدادی روایات منقوله از ائمه اطهار علیهم السلام نیز استناد شده که مفاد آن روایات این است که زن منقطعه جزء نصاب چهار زن که در آیه سوم سوره نساء آمده نیست و مرد می تواند هر مقدار که بخواهد از آنها ازدواج کند.^۲ در میان فقها کسی که شدیداً در این امر تردید کرده و هر چند نظر و فتوای صریح نداده ولی در جواز آن سخت تردید نموده، شهید ثانی است که در شرح لمعه می گوید: اثبات چنین حکمی یعنی جایز بودن جمع بیش از چهار زن در نکاح منقطع، با وجود این که با ظاهر آیه قرآن (فَانكحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنِي، وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعًا) و اجماع سایر علمای اسلام مغایر است، دشوار می باشد. وی روایات وارده در این باب را نیز ضعیف و غیر صحیح می داند و در مقابل، به چند روایت استناد می کند که در آنها، زن منقطعه نیز جزو حد نصاب چهار زن به شمار آمده و نکاح بیش از چهار تا در مورد آنها نیز تجویز نشده است.^۳

۱. جواهر الکلام، جلد ۳۰، ص ۸.

۲. برخی از این روایات بدین شرح است: «... عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: ذَكَرْتُ لَهُ الْمَتْعَةَ أَهْيَ مِنَ الْإِرْبَعِ؟ فَقَالَ: تَزْوِجُ مِنْهُنَّ الْفَائِئِثَاتِ مَسْتَأْجِرَاتٍ.»

«... عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ: مَا يَجِلُّ مِنَ الْمَتْعَةِ؟ قَالَ: كَمِ شَيْءٍ.» وسائل الشیعه جلد ۱۴،

ص ۲۲۶، باب ۲ از ابواب متعه.

۳. شرح لمعه، جلد ۵، صفحه ۲۰۷. از جمله روایت عمار ساباطی از امام صادق (ع) که امام فرمود: متعه

از فقهای متقدم قاضی ابن براج صاحب کتاب جواهر و المهدب نیز جمع بیش از چهار زن در نکاح متعه را جایز نمی‌داند، وی در این خصوص می‌گوید: «ولا يجوز للمتزوج متعة ان يزيد على اربع من النساء وقد ذكر ان له ان يتزوج ماشاء و الاحوط ما ذكرناه.»^۴

شهید ثانی از نحوه بیان علامه حلی در کتاب مختلف نیز استمزاج می‌کند که ظاهراً آن فقیه مبرز هم تمایل به منع جمع بیش از چهار زن در نکاح منقطع داشته، زیرا وی صرفاً نظر مشهور را که در نکاح منقطع حد نصاب وجود ندارد نقل کرده و خود فتوای نداده است.^۵

شهید ثانی در کتاب مسالک نیز به این مطلب اشاره می‌کند و ادعای اجماع بر جواز جمع بیش از چهار زن در نکاح منقطع را صحیح نمی‌داند.^۶

به هر حال به نظر می‌رسد، قول به شمول ممنوعیت جمع بیش از چهار زن بر نکاح منقطع، هم با ظاهر قرآن مطابق است و هم، به طوری که دیدیم مدلول برخی از روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام است، روایاتی که دلالت بر جواز نکاح منقطع بدون حد و حصر می‌نمایند، علاوه بر آنکه، به قول شهید ثانی، سند آنها ضعیف یا مجهول یا مقطوع السند هستند و نمی‌توانند چنین حکم خلاف قرآن را اثبات کنند، نحوه بیان آنها نیز به گونه‌ای است که انسان در صدورشان از معصوم (ع) تردید می‌کند،

—
یکی از چهار زن است: عن عمّار السّاباطی هیّ ابي عبد الله (ع) عن الثّمّة قال: هیّ احدى الاربّة و روایت محمد بن ابی نصر از حضرت رضا علیه السلام که با تأکید فرمودند: متعه یکی از چهار زن است و در پاسخ که وی می‌گوید: زراره از امام باقر (ع) نقل کرده که ایشان فرمودند متعه مانند کنیز است و هر تعداد شخص بخواهد می‌تواند ازدواج کند، امام (ع) می‌فرماید: لا هیّ من الاربّع. وسائل الشیعه، همان مأخذ، ص ۲۲۸.

۴. المهدب، جلد دوم، ص ۲۲۳، از قاضی عبدالعزیزین البرّاج الطرابلسی، از انتشارات جامعه مدرسین قم.

۵. رجوع شود به: شرح لعمه، جلد ۵، صص ۲۰۶-۲۰۹.

۶. مسالک الافهام، جلد ۱، ص ۲۸۸. وی در آنجا با اشاره به نحوه بیان علامه می‌گوید: «و فی المختلف اقتصر من الحکم علی مجرد الشهرة و لم یصرح بمختاره و علته واضح و دعوی الاجماع فی ذالک

غیر سدید.»

زیرا درست است که اصل جواز و مشروعیت نکاح منقطع و استمرار جواز آن از مسلمات مذهب امامیه است و ائمه اطهار علیهم السلام نیز در بیاناتشان سعی داشتند این سنت، زنده بماند و اصل مشروعیت آن از بین نرود، ولی پیدا است که حکمت این امر، امکان بر آوردن نیاز جنسی افرادی که توانایی ارضای آن را از راه نکاح دائم ندارند و یا به عللی نیازشان ارضا نمی شود، می باشد، و در واقع تشریح و تداوم آن برای جلوگیری از فحشا و هرج و مرج جنسی و توجه به یک ضرورت و واقعیت اجتماعی است. به گونه ای که از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر عمر متعه را حرام نکرده بود جز افراد خبیث کسی مرتکب زنا نمی شد.^۷

تشویق به متعه گرفتن زیاد و در واقع، زن بارگی و تنوع طلبی با فرهنگ اهل بیت و ائمه اطهار علیهم السلام مطابقت ندارد و بنابراین چگونه می تواند معقول باشد که امام صادق (ع) در پاسخ سؤال مربوط به محدودیت متعه چهار زن بفرماید: می تواند هزار زن متعه بگیری زیرا آنها زن کرایه ای هستند^۸ در حالی که در برخی از روایات، شدیداً از کسانی که زن دارند و در عین حال دنبال متعه می روند سرزنش شده، و تصریح شده که حکمت تشریح متعه برای استفاده کسانی است که از داشتن زن محرومند که بدین وسیله هم نیاز جنسی شان مرتفع می شود و هم دچار بی عفتی و بی بند و باری نمی گردند، برای روشن تر شدن مطلب بد نیست سه روایت گویا را در این زمینه نقل کنیم:

۱. علی بن یقظین می گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام در مورد متعه سؤال کردم حضرت فرمود: تو را با متعه چکار؟ در حالی که با داشتن زن خدواند تو را از متعه بی نیاز کرده است. (سألت أبا الحسن علیه السلام عن المتعة فقال: ما أنت وذاك قد أغناك الله عنها...)

۲. فتح بن یزید می گوید: از موسی بن جعفر علیه السلام در مورد متعه

۷. کولاً أن عمر نهى عن المتعة ما زنى إلا شقي، شرح لمعه، جلد ۵، ص ۲۸۳.

۸. اشاره به حدیث منقول در باورقی شماره ۲.

سؤال کردم حضرت فرمود: حلال و مباح است برای کسی که با داشتن زن از آن بی نیاز نیست، اگر زن داشت در صورتی برایش مباح است که از زنش دور باشد. (سَأَلْتُ أَبَاحَسَنَ (ع) عَنِ الْمُتَعَةِ فَقَالَ: هِيَ حَلَالٌ مُبَاحٌ لِمَنْ لَمْ يُغْنِهِ اللَّهُ بِالتَّزْوِيجِ فَلَيْسَتْ عَفِيفٌ بِالْمُتَعَةِ فَإِنْ اسْتَغْنَى عَنْهَا بِالتَّزْوِيجِ فَهِيَ مُبَاحٌ لَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا).

۳. امام موسی بن جعفر علیه السلام به بعضی از دوستانش نوشت: اصرار بر متعه نداشته باشید آنچه بر شما واجب است به پاداشتن سنت است، بنابراین با روی آوردن زیاد به متعه از خانواده تان غافل نشوید که ممکن است کفر بورزند و بیزاری جویند و بر کسی که به این سنت امر کرده نفرین کنند و ما را مورد لعن قرار دهند. (... کتب ابوالحسن علیه السلام الی بعض موالیه: لَا تَلْحَوْا عَلَی الْمُتَعَةِ، اِنَّمَا عَلَیْکُمْ اِقَامَةُ السَّنَةِ فَلَا تَشْتَقِلُوا بِهَا عَنْ فُرُشِکُمْ وَ حَرَائِرِکُمْ فَيُکْفَرْنَ وَ یَتَّبِرْنَ وَ یَدْعِیْنَ عَلَی الْأَمْرِ بِذَالِکَ وَ یَلْعَنُونَا.)

با این وصف، قویاً به نظر می رسد، ممنوعیت جمع بیش از چهار زن شامل نکاح دائم و منقطع هر دو می گردد و یک مرد در آن واحد نمی تواند بیش از چهار زن در حباله نکاح خود داشته باشد خواه همه دائم یا همه منقطع یا بعضی دائم و بعضی منقطع باشند.

۹. روایات از وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صص ۴۴۹-۴۵۰، باب ۵ از ابواب متعه.

۲- آیا می‌توان تعدد زوجات را محدود و موقوف به اجازه دادگاه کرد؟

چنانکه گفتیم اصل مشروعیت تعدد زوجات تا چهار زن از قواعد مسلم اسلامی است و البته بر تجویز اصل این موضوع و عدم ممنوعیت مطلق آن فواید و منافع اجتماعی نیز مترتب است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.^{۱۰}

ولی آنچه از آیه سوم سوره نساء فهمیده می‌شود، این است که اصل در نکاح، تک همسری است و استثنائاً اجازه داده شده که مرد بتواند تا چهار زن بگیرد ولی گرفتن بیش از یک زن، مشروط به این است که مرد بتواند بین آنها اجرای عدالت کند. یعنی یکسان، حقوق واجبه آنها را ادا نماید، بتواند نفقه همه را بدهد و از لحاظ اقامت نزد آنها یکسان رفتار کند یعنی به اصطلاح، قسم را رعایت نماید. آیه مزبور می‌فرماید: «... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آدْنَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا.»

خلاصه معنی این است که می‌توانید از زنانی که پاک و خوب می‌دانید تا چهار زن بگیرید ولی اگر خوف آن دارید که بین آنها به عدالت رفتار نکنید به یکی اکتفا نمایید که این امر یعنی اکتفا به یک زن نزدیک تر است به این که از عدالت دور نیفتید و بر زنها ظلم نکنید.

قرآن کریم، با همان بیان که ازدواج با چهار زن را مباح نموده، در صورت خوف عدم اجرای عدالت، آن را به یکی محدود نموده است، و منظور از خوف عدم اجرای عدالت، این است که مرد ظن بر عدم اجرای عدالت داشته باشد یا شک کند که می‌تواند عدالت را اجرا نماید یا خیر؟ بنابراین کسی می‌تواند با داشتن همسر، اقدام به ازدواج مجدد نماید که اطمینان یا ظن غالب داشته باشد که توانایی اجرای عدالت بین همسران

۱۰. برای آگاهی از این موضوع رجوع شود به: نظام حقوق زن در اسلام، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری، صص ۳۷۰ به بعد.

خود را دارد."

بعید نیست بتوان از این آیه استنباط کرد که اگر کسی خوف عدم اجرای عدالت دارد و در عین حال اقدام به ازدواج مجدد نماید، ازدواج دوم او باطل است. زیرا در واقع، اباحه تعدد زوجات در این آیه معلق بر عدم خوف اجرای عدالت شده و با خوف عدم اجرای عدالت دستور داده شده که به یکی اکتفا نماید."

البته منظور از اجرای عدالت، جنبه بیرونی آن یعنی همان اجرای عدالت در نفقه و قسم و حقوق واجبه است و گرنه تساوی در تمایل قلبی و محبت باطنی، امری است که امکان پذیر نیست و از انسان خواسته نشده است.

خداوند در آیه دیگری از همین سوره به این معنی اشاره کرده و می فرماید: شما قادر نیستید بین زنها به عدالت رفتار کنید (یعنی یکسان به آنها بنگرید و تمایل داشته باشید) پس آنچه از شما خواسته شده، این است که از یکی، روی نگردانید و او را بلا تکلیف نگذارید (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ. نساء: ۱۲۹).

۱۱. تفسیر المنار، جلد ۴، ص ۳۲۸.

۱۲. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۱۸۰. در ذیل جمله: ذَالِكْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَمْلُؤُوا می گویند: و ذکر این جمله که متضمن حکمت تشریح تعدد زوجات است دلیل بر این است که اساس تشریح و قانونگذاری در احکام نکاح، بر عدل و نفی جور و ظلم و اجحاف در حقوق است.

در میان اهل سنت صاحب تفسیر المنار می گوید: از تأمل در دو آیه سوره نساء معلوم می شود که اباحه تعدد زوجات در اسلام سخت محدود است و انگار ضرورتی است که اگر کسی به آن نیاز داشته باشد، به شرط اطمینان به اجرای عدالت و ایمن بودن از ستم کردن به زن، برایش جایز است. سید محمد رشید رضا، تفسیر المنار، جلد ۴، ص ۳۲۹. دکتر یوسف القرضاوی نیز در این خصوص می گوید: شرطی که در اسلام برای تعدد زوجات وجود دارد این است که مرد مسلمان اطمینان به اجرای عدالت بین همسرانش داشته باشد و کسی که چنین اطمینانی ندارد، گرفتن بیش از یک زن بر او حرام است: دکتر یوسف القرضاوی با تعلیقات شیخ حسن محمد تقی جواهری، الحلال و الحرام فی الاسلام، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق.، ص ۲۹۶.

چه کسی باید امکان اجرای عدالت را احراز کند؟

اگر مخاطب قرآن را در آیه «... فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...» صرفاً خود افراد بدانیم و بگوییم موضوع جنبه شخصی دارد، علی القاعده جایی برای دخالت حکومت و دادگاه باقی نمی ماند و این یک امر شخصی است، مرد اگر خود اطمینان داشت که قادر به اجرای عدالت است، می تواند همسر جدید اختیار کند و اگر چنین اطمینانی نداشت، شرعاً حق ندارد در پی ازدواج مجدد برآید ولی در این تشخیص، نظر مقام دیگری شرط نیست و مسؤلیت امر با خود اوست، مداخله دادگاه هنگامی مورد پیدا می کند که زن مدعی شود شوهرش حقوق او را رعایت نمی کند.

به نظر می رسد، فقهای شورای نگهبان که در نظریه مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ خود، مجازات متعاقدین و عاقد در مورد ازدواج مجدد بدون اخذ اجازه از دادگاه را خلاف شرع اعلام کردند،^{۱۳} همین تلقی و برداشت را داشتند.

ولی می توان این احتمال را مطرح ساخت که وقتی مشروعیت تعدد زوجات موقوف به اجرای عدالت شده و اجرا یا عدم اجرای عدالت در خانواده بازتاب اجتماعی دارد که حکومت اسلامی نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد، به خصوص وقتی آثار و علایم تخلف مردان از رعایت این شرط، مشهود و نمایان باشد، حکومت می تواند مقرر نماید که باید اطمینان از امکان اجرای عدالت در حد معمول به وسیله دادگاه احراز شود تا مرد مجاز به انتخاب همسر جدید باشد و هر کس از این امر تخلف کند یعنی بدون مراجعه به دادگاه و اخذ اجازه از آن مرجع مبادرت به ازدواج مجدد کند، اگر نگوییم ازدواجش باطل است به خصوص اگر معلوم شود توانایی اجرای عدالت را نداشته، حداقل برای تجرّی و سرپیچیش از حکم قانون می توان گفت قابل تنبیه است. برقراری چنین ترتیب و وضع این مقررات، به معنای تغییر حکم الهی و از بین بردن اباحه تعدد زوجات نیست بلکه دخالت و اعمال اختیار حاکم در اعمال اختیاری مردم برای

۱۳. رجوع شود به: مجموعه نظریات شورای نگهبان، تدوین نگارنده، جلد ۳، ص ۲۶۸.

جلوگیری از مظالم و مفسد است.^{۱۳}

از این رو به نظر می‌رسد تصویب و اجرای مفاد ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده سال مصوب ۱۳۴۶ از سوی حکومت صالح اسلامی تضادی با مبانی شرعی با توضیحی که داده شد ندارد، ماده مزبور می‌گوید: «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری اختیار نماید، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان، تحقیق از زن فعلی، توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید، به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰-۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.»

مجازات موضوع ماده ۵ قانون ازدواج ۶ ماه تا دو سال حبس تأدیبی

بود.

در اصلاحیه سال ۱۳۵۳ قانون حمایت خانواده، ماده ۱۴ قانون مزبور نیز تغییر کرد. و به جای آن مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مزبور به شرح زیر تصویب شد:

ماده ۱۶. «مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در

موارد زیر:

۱. رضایت همسر اول
۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی
۳. عدم تمکین زن از شوهر
۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶

۱۳. بنگرید عبارت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، جلد ۴، ص ۲۰۷ را در این خصوص که می‌گویند: «... فلو كان للاسلام و ال امکنه ان يمنع الناس عن هذه المظالم التي يرتكبونها باسم تعدد الزوجات و غیر ذالک من غیر ان يتغير الحكم الالهي باباحتہ، و انما هو عزيمة اجرائية عامة لمصلحة نظير عزم الفرد الواحد علی ترک تعدد الزوجات لمصلحة براهان لا لتغيير فی الحكم بل لانه حکم اباحتی له ان يعزم علی ترکہ.»

ماده ۸

۵. محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸
۶. ابتلای زن به هر گونه اعتیاد مضرّ برابر بند ۹ ماده ۸
۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن
۸. عقیم بودن زن
۹. غائب مفقود الاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.

ماده ۱۷. «متقاضی باید تقاضانامه ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلائل تقاضای خود را در آن قید نماید، یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان، تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد.

به هر حال، در تمام موارد مذکور، این حق برای همسر اول، باقی است که اگر بخواهد تقاضای گواهی عدم امکان سازش از دادگاه بنماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید، به حبس جنحه ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.»

در این قانون موارد امکان درخواست ازدواج مجدد، محدود به موارد خاصی شده است یعنی صرف تشخیص و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت، از سوی دادگاه نمی تواند مجوز صدور اجازه ازدواج مجدد باشد، بلکه باید، علاوه بر آن در موارد محدود و مشخص این تقاضا صورت گیرد. این ترتیب علی القاعده مغایر موازین شرعی است، زیرا در شرع آنچه شرط ازدواج مجدد قرار داده شده، تنها اجرای عدالت است.

به هر حال، در این قانون، مجازات تخلف تقلیل یافته و ۶ ماه تا یک سال جنس تعیین شده ولی علاوه بر مرد، زن جدید و سردفتر ازدواج

نیز در صورت عالم بودن مستوجب مجازات دانسته شده‌اند، و ضمناً در مورد مرد و زن جدید، مجازات جنبه خصوصی پیدا کرده و با گذشت زن اول، تعقیب یا اجرای مجازات موقوف شده است.

همچنین در این قانون پیش بینی شده که حتی با رضایت زن برای ازدواج مجدد، در صورت وقوع ازدواج، زن اول حق درخواست گواهی عدم امکان سازش و اجازه طلاق را دارد، در صورتی که در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ وفق بند ۳ ماده ۱۱، در صورتی که زوج بدون رضایت همسر اول زن دیگری اختیار می‌کرد، این حق برای همسر اول به وجود می‌آمد.

مواد ۱۶ و ۱۷ قانون حمایت خانواده، هر چند نسخ نشده‌اند ولی از یک طرف با اعلام غیرشرعی بودن مجازات مقرر در آنها از سوی شورای نگهبان و از طرف دیگر مغایرت برخی از مقررات آنها با موازین شرع، تقریباً خاصیت خود را از دست داده‌اند و دادگاههای مدنی خاص هم چندان تمایلی به اجرای دقیق آنها ندارند و همان طور که قبلاً اشاره شد، به نظر می‌رسد، لازم باشد مقرراتی شبیه ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ تنظیم و تصویب و به مرحله اجرا در آید.

تعدد زوجات در قوانین برخی از کشورهای اسلامی

در بین کشورهای اسلامی کشور تونس تعدد زوجات را ممنوع و آن را جرم تلقی می‌نماید، وفق ماده ۱۸ قانون احوال شخصیه، ازدواج مجدد مجازات یک سال حبس و ۲۴۰/۰۰۰ فرانک جریمه یا یکی از آن دو مجازات را در پی دارد. و وفق ماده ۲۱ همان قانون، ازدواج دوم که بدون انحلال ازدواج اول صورت می‌گیرد، باطل است.^{۱۵}

قانون احوال شخصیه سوریه تعدد زوجات را مجاز می‌داند ولی به قاضی اجازه داده است که اگر تشخیص داد مرد قادر به دادن نفقه به بیش

۱۵. مجله احوال شخصیه، چاپ سوم، ۱۹۵۸، محمد طاهر سنوس.

از یک زن نیست، به او اجازه ازدواج مجدد ندهد.^{۱۶} در عین حال در مقدمه قانون مزبور، که وضع چنین ماده‌ای را توجیه می‌کند، تصریح شده که اگر چنین ازدواجی واقع شد، به هر حال حکم بر صحت آن می‌شود و باطل نیست.^{۱۷} همان گونه که از نظر حقوقدانان ما و وفق رویه قضایی حتی با وجود حکومت قانون حمایت خانواده در صورتی که کسی بدون اجازه دادگاه، ازدواج مجدد نماید، ازدواج دوم او باطل نیست و صرفاً مجازات کیفری را در پی دارد.^{۱۸}

قانون خانواده الجزایر نیز تعدد زوجات را در حدود موازین اسلامی و به شرط وجود وجه شرعی و شرط اجرای عدالت مجاز ولی مراجعه به دادگاه را لازم نمی‌داند ولی به هر یک از زن سابق و لاحق، این حق را داده است که اگر شوهر به آنها دروغ گفته و فریبشان داده باشد به دادگاه مراجعه نمایند و درخواست طلاق کنند.^{۱۹}

در مالزی، طبق قوانین برخی از ایالات، مرد برای ازدواج مجدد باید قبلاً از قاضی مربوطه یا شورای علما اجازه دریافت کند ولی در برخی از ایالات، چنین محدودیتی برای ازدواج مجدد وجود ندارد.^{۲۰}

۱۶. ماده ۱۷ قانون احوال شخصیه سوریه می‌گوید: «للقاضی ان لا یأذن للمتزوج بان یتزوج علی امراته اذا تحقق انه غیر قادر علی تفقهما».

۱۷. منبع فوق؛ ص ۷ مقدمه.

۱۸. دکتر کاتوزیان، حقوق خانواده، جلد اول، صص ۱۲۰-۱۲۱؛ همچنین نک. دکتر صفایی و دکتر امامی، حقوق خانواده، جلد اول، ص ۱۳۳.

۱۹. قانون الاسرة، ماده ۸.

۲۰. حقوق خانواده در مالزی و سنگاپور، نوشته احمد ابراهیم، ص ۲۰۷.